

# علیه سرمایه

تربیبون کارگران ضد سرمایه داری  
شماره چهارم / امرداد هزار و چهارصد

ناسیونالیسم را از جنبش کارگری بیرون ریزیم

جهل حاکمان!! یا سفاهت کارگران کارگرگزین صنف آویز؟

جنبش کارگری ایران در تیر ماه ۱۴۰۰

همزمان کارگر در سراسر ایران! به اعتصاب متحد هم‌زنجیران خویش ...

تظاهرات توخالی، اقدردت سازمان یافته شورائی ضد بردگی مزدی برای ...

خیزش ما طغیان خشم توده های کارگر است. این خیزش را شورائی و ...

نوشته ای از یک رفیق کارگر

نامه ی یک کارگر پیمانی

آیا می دانید؟ (مواد تکنیکی، سموم آفت کش)

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان

دروغ بر مادران مبارز ضد رژیم درنده اسلامی سرمایه

رژیم اسلامی سرمایه، سلاح کرونا، حمام خون توده های کارگر



# ناسیونالیسم را از جنبش کارگری بیرون ریزیم

## قفل اسطوره ارسطو را / بر در احسن الملل نزنید

کارگران ضد سرمایه داری / مرداد ۱۴۰۰

حنجره بیرون می راند باید به این اندیشد که از کدام ایران و کدامین ایرانی می گوید؟؟!! هم وحوش مالک عظیم ترین بانکها، تراستهای صنعتی، غول های مالی، صاحبان بنیاد مستضعفان، آستان قدس، مؤسسات اقتصادی بیت رهبری، قرارگاه خاتم الانبیاء، بنیاد شهید و زنجیره میلیونی بنگاههای مشابه، ایرانی هستند و هم کارگرانی که کل کار و محصول کارشان سرمایه این وحوش گردیده است، شناسنامه ایرانی دارند. واقعیت زمخت زمین زندگی با خروش تندرگون فریاد می زند که این دو بخش انسانها زیر هیچ نامی، هیچ نشانی، هیچ هویت ملی، میهنی، نژادی، عقیدتی قابل اجماع نیستند، اینها در بنیاد وجود اجتماعی خویش، موجوداتی متضاد، متخاصم و مجبور به جنگ با هم می باشند، سرمایه دار سرمایه متعین در قیافه آدمیزاد و کارگر کار مزدی شخصیت یافته است. سرمایه، کار مرده کارگر است که با قدرتی لایتناهی، بدون محدودیت بر وجود زنده او، بر هست و نیست او حکم می راند و سرمایه دار به عنوان مالک سرمایه حاکم بلامنازع مسلط بر زندگی کارگر است. کارگر برای هر میزان انسان بودن، انسان ماندن، حق و حقوق انسانی، هر نفس کشیدن آزاد انسانی، ابتدائی ترین خورد و خوراک و معیشت و پوشاک انسانی، برای هر اندازه تسلط بر سرنوشت کار، حاصل کار و زندگی خود و بالاخره برای رهائی خود باید با سرمایه و طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری جنگ کند. سرمایه دار و دولتش نیز برای سرمایه دار ماندن و دولت سرمایه بودن اساس هر اعتراض، خیزش و جنگ کارگر را درهم می کوبند. سخن از ایرانی، ایرانیان، هویت ملی یا مام وطن به عنوان مفصل اجماع این دو جور انسانها اگر انفجار مهلک ترین بمبهای فریب نیست چه نام دیگری برایش قابل تصور است؟؟!! قطعاً هیچ!! کارگر ناسیونالیستی که عربده ایرانم سر می دهد باید بیاموزد که با این کارش از خود و توده همزنجیر می خواهد تا برده مزدی همیشگی سرمایه داران مانند.

در شرائطی که میلیونها کارگر و افراد خانواده های کارگری با سر دادن فریاد گرسنه ایم، تشنه ایم، هیچ چیز برای از دست دادن نداریم، ریشه فقر، بی خانمانی، تبعیضات جنایتکارانه جنسیتی و آلودگیهای زیست محیطی خود را به وجود سرمایه ارجاع می دهند، آری در همین شرایط، در جوار همین فریادهای سرخ، ناله های شوم بوم های خرابه گرد نیز گوشها را می ازارد. جغدها با هم می خوانند «ایران من!» «ایرانم!»، «کوروش!»، «رضاخان!»، بقای مرده جغدها در آشیان عتیق تاریخی خود اهمیت گفتگو ندارد، رعب انگیز آنست که کارگری زیر آوار جهالت به این نفیرها دل بندد و به تکرار کور آنها پردازد. ناسیونالیسم در هر شکل و هر لباس سلاح میکروبی سرمایه در دست طبقه درنده سرمایه دار برای تباهی و انهدام جنبش بالنده طبقاتی ضد سرمایه داری ما است. ناسیونالیست ها حتی اگر کارگر باشند، کثیف ترین مزدوران سرمایه در جنبش ما برای متلاشی ساختن و خاموش نمودن هر جرقه پیکار ضد بردگی مزدی هستند. عصاره سخن آنها این است که «همه ما ایرانی هستیم!» «ولاد کورش و گودرز و کیکاووسیم»، «ایران میهن ماست و باید همه چیز خود را برای داشتن ایرانی آباد، مستقل، صنعتی، مدرن فدا سازیم!!!» اینان، این خفاشان زشت به گاه سر دادن این نفیرهای کریه، به جعل شرربار تمامی واقعیت های جامعه و جهان موجود می پردازند. بر روی همه بدیهیات عالم پرده می اندازند تا شعله های همیشه و همه جا سرکش جنگ ما علیه سرمایه و سرمایه داران را خاموش کنند. تا مبارزه طبقاتی را به ورطه تعطیل اندازند. آنها نمی گویند که در همین «ایران» میلیونها کارگر نسل بعد از نسل یک شیفتی یا چندین شیفتی کار کرده اند، با کار خود سراسر این جهنم را کوهسار سرمایه، ثروت و رفاه طبقه سرمایه دار ساخته اند، اما سهم خودشان، سهم میلیونها نفرشان از کل آنچه آفریده اند، روزانه، نصف یک نان خالی به صورت نسیه، در ازای گرو نهادن «کارت ملی» است. کارگر شعور باخته ای که عربده «ایران، ایران» از

# جهل حاکمان!! یا سفاقت کارگران کارگریز صنف آویز؟

## نگاهی به اطلاعیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان

کارگران ضد سرمایه‌داری / امرداد ۱۴۰۰



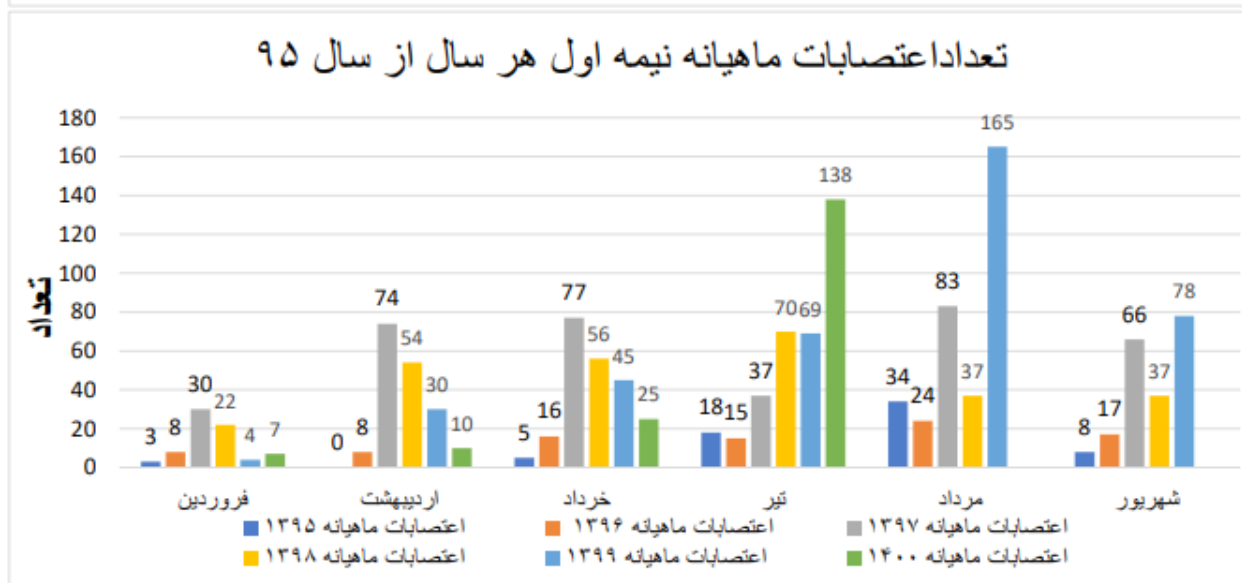
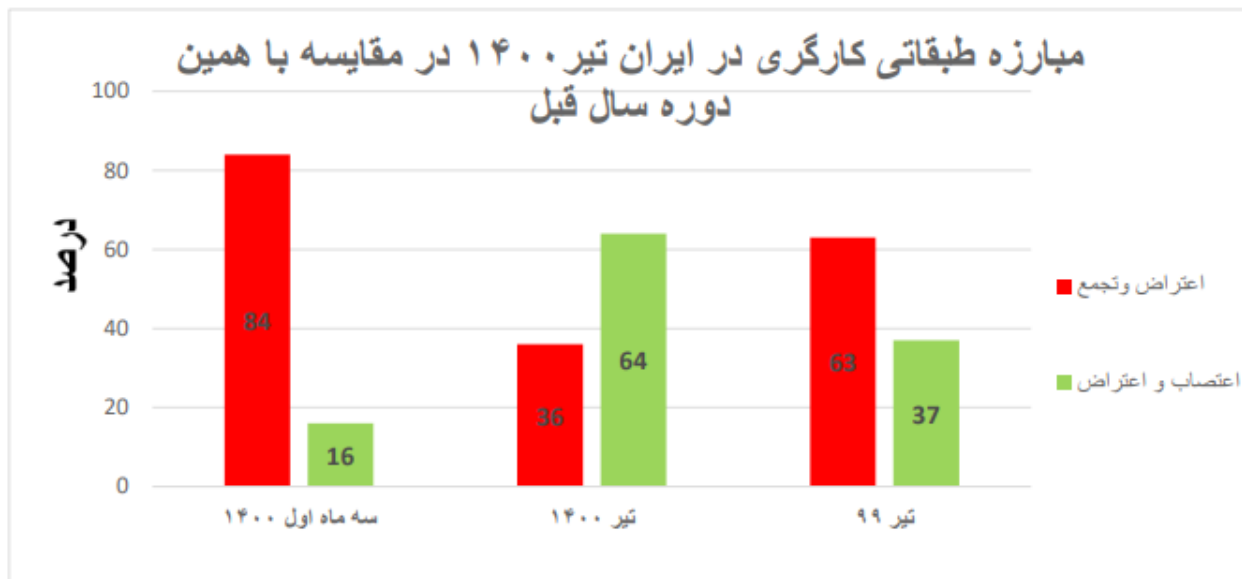
گوید اما درد میهن!!، درد ایران!!، درد کمبود انباشت سرمایه در خوزستان را فریاد می‌زند!! مشکل تشنگی را به انباشت ناکافی سرمایه نسبت می‌دهد!! به بدترین عوامفریبی دست می‌یازد و بر روی ریشه بدبختی‌های کارگران پرده‌امی‌کشد. نمی‌گوید که کل آنها سرمایه‌شده است، قطره، قطره آبهای کارون، کرخه، دیاله، جراحی و رودهای دیگر، سرمایه سرمایه داران سپاهی، خصوصی، دولتی و طبقه سرمایه‌دار گردیده است، مواد، ملاط و مصالح پیش‌ریز سرمایه‌دار همان «ایران، ایران» شده است، اینها را نمی‌گوید و باز نمی‌گوید که فقط در اطراف شهر اهواز بیش از ۳۰ مجتمع عظیم صنعتی با سرمایه‌های غول‌آسا در حال استثمار نیروی کار شبه‌رایگان هستند. آب کارون به لب تشنه کارگر خوزستانی نمی‌رسد زیرا چرخه تولید سود صدها غول بزرگ سرمایه‌دار اصفهان و جاهای دیگر را به چرخش می‌اندازد. هورالعظیم را سرمایه خشکانده است، گرد و خاک‌ها همه آفریده سرمایه و سرمایه‌گذاری‌ها هستند. تشنگی، گرسنگی، فقر، فلاکت، بی‌خانمانی، تخریبات دهشت‌زای زیست‌محیطی، از کوه آسا شدن لحظه، لحظه سرمایه‌ها می‌جوشند، از کمبود انباشت سرمایه نمی‌آیند. اطلاعیه از جهل حاکمان سخن می‌گوید!! و چنین می‌گوید تا سرمایه را تبرئه کند. کاری که انجام آن از سوی شورای تشکلهای صنفی فرهنگیان عمیقاً دردناک و ننگ‌آور است. حاکمان آن می‌کنند که سرمایه می‌خواهد، تمامی بلیه‌هایی که بر سر توده‌های کارگر ایران و منطقه آورده‌اند، در راستای تأمین سود افزون‌تر سرمایه‌ها و سهم‌خواهی بی‌عنان‌تر سرمایه‌دار سهام‌سود و مالکیت و قدرت و حاکمیت سرمایه‌بوده است. اطلاعیه با تطهیر کریه سرمایه و ارجاع سرچشمه بدبختی‌ها به جهالت حکام، فقط کارگران را کور می‌کند و به سرمایه و وحوش سرمایه‌دار و بقای دولت اسلامی سرمایه‌خدمت می‌نماید.

معلم‌ان بخش وسیعی از طبقه کارگرند. مثل همه کارگران فروشنده نیروی کارند و از هر نوع دخالتگری یا حق‌دخالت در سرنوشت، کار، تولید و زندگی خود ساقط هستند. آنها درعین حال به قشر درس‌خوانده و غالباً دانش‌آموخته دانشگاهی این طبقه تعلق دارند. در همان حال به اندازه تمامی لایه‌های دیگر طبقه خود، فشار استثمار، فقر، گرسنگی، بی‌خانمانی و فلاکت ناشی از وجود و استیلای سرمایه‌داری را در تار و پود وجود خود درد می‌کشند. یک بیماری سرمایه‌زاد این لایه آنست که معمولاً خود را کارگر نمی‌دانند!! به سیاق بورژوازی، کارگران را «کم‌سواد»، «عامی»، «بدون کلاس»!! تلقی می‌کنند و خود را «فرهیختگان»، «نخبه‌ها»، تحصیل‌کرده‌ها می‌خوانند!! بیماری دوم آنها که به همین اندازه مهلک است، رفرمیسم افراطی، آویختن به «قانون» و نهادهای نظم سرمایه، صنف‌آویزی سندیکالیستی و در یک کلام فرار از مبارزه رادیکال ضد سرمایه‌داری است. این بیماریها بعلاوه پاشنه‌اشیله‌های مهم دیگر سبب شده است که معلم‌ان به رغم درس‌خواندگی افزون‌تر نه فقط نقش نیروی آگاه طبقه خود را بازی نکنند که بالعکس حلقه آسیب‌پذیر، شکننده، حتی مخرب جبهه جنگ طبقاتی باشند. کارنامه این قشر در تاریخ صدساله سرمایه‌داری ایران این را می‌گوید، اطلاعیه اخیرشان نیز مصداق بارز همین واقعیت نامیمون است. اطلاعیه برخلاف متون منتشره از سوی توده‌های کارگر، به گونه‌چندش‌آوری از یزد خالق خرد!!، از منحط‌ترین شکل خرافه‌سالاری آغاز می‌کند!! و هنوز رسالت تحمیق و جهل‌پروری را به پایان نرسانده، به شکلی شنیع و منحط، شروع به نواختن آهنگ مغزخراش، ناسیونالیسم در گوش توده کارگر می‌کند!! بیریق «ایران سرفراز» بلند می‌کند!! همان بیریقی که بورژوازی با افراختنش بر روی استثمار بشرستیزانه فاجعه‌آمیز ۶ میلیارد کارگر دنیا توسط سرمایه، بر روی تمامی درندگی‌ها، جنایت‌ها، ویرانی‌آفرینی‌ها، تبعیضات سبعانه جنسیتی، جنگ‌افروزی‌ها، گرسنگی و فقر و بی‌خانمانی و فلاکت‌آفرینی‌های سرمایه‌پرده می‌اندازد. بند، بند اطلاعیه ملامال از گمراهه‌پرنداری و شستشوی مغزی کارگران است. ظاهراً «نوع‌پروری» می‌کند!! و از تشنگی آدمها می‌

ارتباط کارگری می بایست واقعی، دائمی، پیوسته و هدفمند باشد و آن هم نه هر هدفی بلکه صرفاً شورایی ضد سرمایه داری و در جهت لغو کار مزدی باشد. این درست است که اهم مبارزات طبقاتی در ایران مبارزه کارگران، خیزش های توده های کارگر و زور آزمایی کارگران با سرمایه داران و دولت سرمایه بر سر دستمزد، معیشت، آب، محیط زیست و تقریباً همه ابعاد زندگی انسانی در سال های اخیر بوده و اکنون نیز هر حرکتی در جامعه ایران هر چه بیشتر رنگ طبقاتی کارگری می گیرد. اما این می بایست رشد کند، بالاد و جنبشی ضد سرمایه داری هدفمند تبدیل گردد و گرنه تحت فشار سرکوب فیزیکی و فکری طبقه حاکم و هر دو قطب رفرمیسم راست و چپ، رویکرد راست سندیکائی و سکتاریسم حزب سالار چپ نما وارونه می گردد و به گمراه می رود. فقط طبقه سرمایه دار، مراکز شتشی مغزی، سازمان هایی نظیر شوراهای اسلامی و دولتش نیست که از طریق سرکوب فیزیکی و فکری این وضع را بر کارگران تحمیل کرده و می کنند. طبقه سرمایه دار و دولتش بیکار نمی نشینند بلکه درصدد جان تازه دادن به شوراهای اسلامی قصد هجوم جدیدی به کارگران در سر می پروراند. همه این ها یعنی رفرمیسم راست و چپ و شوراهای اسلامی هم اکنون نیز هم سد راه همجوئی، همپیوندی و همزمی آحاد توده کارگر در یک جنبش سراسری، شورائی، نیرومند، ضد کارمزدی بدون بالایسر ماوراء خود، بدون سر حزبی و سندیکائی شده اند. حاصل کار اینان نیز متناسب با درجه اثرگذاریشان آن شده است که کارگران خود را آحاد یک طبقه واحد تلقی نکنند، اهل یک جنبش واحد نبینند، اعضای جنبش ضد سرمایه داری به حساب نیارند، در تدارک برپائی یک جنبش سراسری، شورائی، ضد کار مزدی نباشند، در جستجوی یافتن همدیگر به عنوان آحاد سلسله جنبان این جنبش شورائی نباشند.

رشد اعتصابات در تیر ۱۴۰۰ در مقایسه با ماه های گذشته این سال و سال های گذشته تا حدی چشمگیر است اما همانطور که توضیح دادیم خام فکری محض است تصور کنیم که رشد کیفی و سازمان یافته این جنبش به همین میزان افزایش یافته است. تعداد اعتراضات کارگری در ماه اخیر نسبت به ماه مشابه سال گذشته بسیار بیشتر بوده است و تیرماه امسال ما شاهد ۲۱۵ حرکت جنبشی بوده ایم که بخش اعظم آن اعتصابات انبوه کارگران حوزه های مختلف پیش ریز سرمایه خصوصاً زیر ساخت ها و کارگران تاسیساتی نفت و گاز بوده در حالی که همین ماه سال گذشته به ۱۸۷ حرکت کارگری رسید که فقط ۳۷ درصد آن اعتصاب بود.

روند اعتصابات و اعتراضات کارگری علیه نظم سرمایه در ایران در اواخر خرداد این سال با موجی از اعتصابات کارگران پیمانی صنایع زیر ساختی، تعمیرات و تاسیساتی حوزه های پیش ریز سرمایه در نفت و گاز حداقل از نظر تعداد کارگران و تعدد شرکت های پیمانکاری درگیر به سطح بالایی رسید که در سال های اخیر کمتر مشاهده شده بود. صبح روز شنبه ۲۹ خرداد ماه کارگران رسمی نفت در واحد عملیات دریایی شرکت پابانه های نفتی ایران، منطقه جزیره خارک برای دومین روز متوالی دست از کار کشیده و دست به تجمع زدند. در جریان این تجمع کارگران از تحویل و پهلویگیری کشتی یکصد هزار تنی "آرتاویل" که قصد بارگیری ۶۳۰،۰۰۰ بشکه نفت خام جهت حمل به پالایشگاه بندرعباس را داشت، خودداری کردند. در همین روز، کارگران پروژه ای شرکت "فرا" نیروگاه بیدخون در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها و خواست ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی که اصطلاحاً طرح بیست - ده نامیده میشود دست به اعتصاب زدند. این روند در روز های بعد و خصوصاً ماه مرداد ادامه یافت و شامل تعداد زیادی شرکت و انبوه عظیمی کارگر اعتصابی گردید. اما از همان ابتدا سرنوشت مبارزه این کارگران نیز بسان توده های کارگر دیگر حوزه های پیش ریز سرمایه بود. لشکری پراکنده از کارگران تحت فشار شرایط اقتصادی، فقر، گرسنگی و آینده نامعلوم زندگی دست بکار مبارزه ای هستند که سرنوشت آن کما بیش روشن است. اگر توده های کارگر بدون کوچکترین سازماندهی طبقاتی وارد مبارزه با سرمایه داران و دولت سرمایه می شوند، اما کارگران پیمانی حوزه های زیر ساختی نفت و گاز هر چند ظاهراً با برنامه و قدری سازماندهی شده خود را و همکاران نفتی خود را از همزنجیران دیگر، از دهها میلیون کارگر توده های طبقه خود جدا می کنند. این ژرف ترین و مرگبارترین پاشنه آشیل همه کارگران ایران است، حتی اگر کارگران پیمانی در مبارزه اشان علیه سرمایه داران به دست آوردهایی اقتصادی و معیشتی نایل آیند بدون این که این به کوچکترین ارتباط طبقاتی و شورایی سرمایه ستیز نایل آیند هیچ ارزش طبقاتی در رشد و پیشرفت کارگران بعنوان یک طبقه مستقل ایفا نکرده اند. هم اکنون نیز همه فریاد های اتحادی که کارگران پیمانی نفت و گاز سر می دهند جز ارتباطی دیجیتالی و مدیایی چیز دیگری نبوده و جمع شدن تعداد انبوهی کارگر چند واحد سرمایه در مکانی و سر دادن شعار پشتیبانی از دیگر کارگران پیمانی نیزنشانی از ارتباطی دائمی ندارد و در حد شعار باقی مانده است.



# همزمان کارگر در سراسر ایران!



## به اعتصاب متحد همزنجیران خویش پیوندید!



کارگران ضد سرمایه داری / مرداد ۱۴۰۰

اعتصاب یا خیزش ما وارد میدان می شوند تا صفوف متحد پیکار ما را در هم شکنند، تا رسم مزدوری به سرمایه و وحوش سرمایه دار به جا آرند. این مافیای کارگزار دولت سرمایه در اندرون جنبش ما درست همان می کنند که قوای قهر و سرکوب نظامی، پلیسی سرمایه از بیرون انجام می دهند. اعتصاب پرشکوه همزنجیران ما در ۱۵ استان و ۱۲۰ مرکز کار اینکه زیر مهمیز دسیسه ها و سناریوآفرینی های مزدورمنشانه این باند قرار گرفته و در خطر آسیب پذیری است. برای مقابله با آنچه این جماعت مزدور رسوا انجام می دهد فقط یک راه است. اینکه طوفان اعتصاب را پرخروش تر سازیم، در سطحی هر چه وسیع تر و سراسری تر چرخ کار و تولید را از چرخش باز داریم، همه مراکز تولید را به ورطه تعطیلی اندازیم. برای این کار در هر کجا که هستیم دست به کار تشکیل شوراها خود شویم، شوراها را به هم پیوند زنیم و یک قدرت متحد سازمان یافته شورائی و ضد سرمایه داری گردیم. برای این کار همین الان هم دیر است. هیچ تأخیری جایز نیست. با اعلام اعتصاب به صف متحد همزنجیران اعتصابی خویش پیوندیم.

چندین هفته است که بخشی از طبقه ما در ۱۵ استان و ۱۱۰ مرکز کار و تولید دست از کار کشیده و با عزم استوار بر ادامه اعتصاب تا تحقق کامل خواست های خود پای می فشارند. آنان خواستار دستمزد ماهانه بالای ۱۲ میلیون تومان، بهداشت و دارو و درمان رایگان، ایمنی مطمئن محیط کار، تضمین موثق اشتغال، امحاء مقاطعه کاری و محل سکونت مجهز به امکانات رفاهی و بهداشتی هستند. مطالبات آنان خواست های اولیه کل آحاد طبقه ما در سرتاسر جهنم مشتعل سرمایه داری ایران است. این کارگران هفته ها است که می جنگند و مقاومت می کنند، از زمین و آسمان آماج تهاجم، تعرض، تهدید و توطئه سرمایه داران هستند. دولت سرمایه برای در هم شکستن اراده استوار آنان به هر سببیت و بربریتی دست یازیده است اما همزمان ما مصمم و آهنین عزم تمامی تهاجمات و دسیسه های دشمن را در هم کوبیده و کارزار خویش را ادامه داده اند. آخرین توطئه کثیف سرمایه داران و دولت آنها علیه اعتصاب، کمپین شوم، رسوا، بسیار نفرت انگیز و ضد کارگری باند سیاه رژیم ساخته موسوم به «پاپیینگ» است. جماعتی مزدور و عمله و اکره پلید سرمایه که در درون طبقه ما علیه هر اعتراض،

# تظاهرات توخالی را قدرت سازمان یافته شورائی



## ضد بردگی مزدی برای تسلط بر سرنوشت کار و زندگی کنیم



کارگران ضد سرمایه داری / تیرماه ۱۴۰۰

شویم. کل مستغلات و خانه های خالی سرمایه داران را از چنگال آنها خارج سازیم. بهداشت، درمان و آموزش را رایگان کنیم، خانه های خالی را در اختیار بی خانمان ها، کارتون خوابها، گورخوابها و اجاره نشینان قرار دهیم. هر چه خورد و خوراک و پوشاک در فروشگاهها است به طور رایگان توزیع کنیم، هر نوع هزینه آب و برق و گاز را ملغی سازیم، حجاب اجباری را از ساحت زندگی محو کنیم، بساط مردسالاری را جاروب نمائیم، معیشت و رفاه کامل را حق مسلم همه آحاد کنیم. همفکری، چاره اندیشی، تصمیم گیری و اقدام عملی برای تصرف این مراکز، برنامه ریزی کار، تولید، تعیین سرنوشت آموزش، درمان، بهداشت، محیط زیست، مسکن، چگونگی توزیع محصول کار، زندگی اجتماعی و جنگ با رژیم حاکم در این قلمروها را میدان واقعی سازمانیابی شورائی ضد بردگی مزدی سازیم. جنبش جاری ما تنها از این طریق به یک جنبش واقعی، آگاه، سازمان یافته و نیرومند تبدیل می شود، از این طریق است که ما یک قدرت متحد شکست ناپذیر می شویم، قدرت سیاسی سرمایه را در هم می کوبیم، سرمایه داری را راهی گورستان می کنیم و آماده استقرار جامعه نوین می گردیم. تظاهرات خیابانی، جنگ و ستیز در محله ها، سر دادن شعارها لازم است اما در غیاب انجام موفق، سنجیده و رادیکال کل کارهای بالا نه فقط راه به جایی نمی برد که شکست می زاید.

تظاهرات خیابانی، سر دادن فریاد، نمایش قدرت، کوبیدن مشت اعتراض بر زمین و زمان دهشتزار سرمایه داری یا شعار علیه اساس مناسبات مسلط، رژیم حاکم، وحوش دولتمرد سرمایه قطعا حوزه ای و شکلی از کارزار است. در این حرفی نیست اما مجرد انجام این کارها راهگشای هیچ تغییر اساسی نیست، ما را به هیچ کجا نمی رساند و هیچ دردی از ما دوا نمی کند. مشکل ما کارگران با سقوط یک رژیم و استقرار رژیمی دیگر هم نه فقط تقلیل نمی یابد که چه بسا انفجار آمیز تر شود. باید سرمایه داری را محو کرد و برای تدارک امحاء سرمایه داری باید یک قدرت سازمان یافته شورائی ضد بردگی مزدی شد. برای تبدیل شدن به یک قدرت متشکل شورائی سرمایه ستیز کافی نیست دور هم جمع شویم، خود را تشکل نامیم، اساسنامه بنویسیم، برنامه تنظیم کنیم و کیفرخواست به هم بافیم. تنها با اعمال آگاهانه، برنامه ریزی شده و نقشه مند قدرت علیه اساس مالکیت، مناسبات مستولی، حاکمیت و موجودیت سرمایه است که می توان در همان حال این قدرت را سازمان داد و میداندار ساخت. میدان جنگ را باید از خیابان ها به مراکز کار و تولید و تمامی عرصه های زندگی اجتماعی منتقل نمود. آماده تصرف کارخانه ها، کشت و صنعت ها، معادن، بنادر، شبکه های حمل و نقل، مراکز آب، برق، گاز، پتروشیمی ها، پمپ بنزین ها، بیمارستانها، دانشگاهها، روزنامه ها، فروشگاهها، هتل ها، رستوران ها و هر کجا که نماد مالکیت و قدرت سرمایه است





## این خیزش را شورائی و ضد سرمایه داری سازمان دهیم.



کارگران ضد سرمایه داری / ۳۱ تیرماه ۱۴۰۰

### کارگران!

بیش از ۷۵٪ جمعیت جامعه را، ما طبقه کارگر تشکیل می دهیم. ۲۵٪ مابقی لایه های مختلف طبقه سرمایه دار هستند. «طبقه متوسط»! در شرائط استیلای سرمایه داری لفظ مریخی موهوم و گمراه کننده ای است که ارتجاع بورژوازی به هم می بافت تا شالوده آرایش قوا و اساس جنگ طبقاتی ما با نظام بردگی مزدی را مخدوش و مضمحل سازد. طبقه ما متشکل از کل انسانهایی است که فروشنده نیروی کارند، از کار و حاصل کار خویش جدا و از هر نوع دخالت در تعیین سرنوشت کار، تولید و زندگی خود ساقط هستند. همه افرادی که چنان وضعی دارند، از کارگر صنعت، معدن، راه، ساختمان، بندر، کشاورزی، حمل و نقل، شهرداری، هتل و رستوران، راننده، خانه دار یا مزدبگیر خانگی گرفته تا پرستار، معلم، مترجم، هنرمند، نویسنده، بیکار، دستفروش، تن فروش و غیره، همه و همه آحاد و لایه های به هم پیوسته طبقه کارگریم. کل آنچه در جامعه تولید می شود، کوهساران سر به فلک کشیده سرمایه ها و ثروت ها، هر چه کارخانه، کارگاه، مزرعه، کشت و صنعت، راه، جاده، معدن، بندر، پل، ساختمان، کاخ ها و ویلاهای افسانه ای، مجتمع های مسکونی، بیمارستان ها، سدها، شبکه های هوش ربای آبیاری و برق رسانی، مدرسه، دانشگاه، موجودی بانکها و مؤسسات مالی، کل ارزش ها، هر چه که تجسم و تبلور کار انسانی است، همگی، محصول مستقیم یا غیرمستقیم کار ما، کار پرداخت نشده طبقه ما، آفریده رنج، مرارت و مشقت های فرساینده هلاک کننده ما، ارزشهای تولید شده توسط ما و تصاحب شده توسط طبقه سرمایه دار است. ریال، به ریال این سرمایه ها، ثروت ها، امکانات و ارزش ها را طبقه ما آفریده است، اما کل اینها از دست ما، از زندگی ما، از حوزه مصرف و بهره گیری ما، از ید اختیار و تصمیم گیری ما، از هر میزان دخالتگری ما، از دسترس معیشت و حیطة امرارمعاش ما به طور کامل خارج شده است. تمامی این ها سرمایه، دارائی، مال، منال، امکانات رفاهی، مکتب و منزلت، زرادخانه های غول پیکر تسلیحاتی، دولت، ارتش، قانون، سپاه پاسداران، پارلمان، حوزه علمیه، پلیس، قوه قضائیه، بسیج یا سایر

دستگاههای سرکوب فیزیکی و فکری سرمایه علیه ما گردیده است. ریشه کل سیه روزیهای ما در همین جا، در وجود سرمایه، در رابطه خرید و فروش نیروی کار، در سرمایه به عنوان یک رابطه اجتماعی، در جامعه مبتنی بر کار مزدی، در استیلا و حاکمیت سرمایه داری قرار دارد. کل گرسنگی ها، بی آبی ها، بی خانمانی ها، بیماری ها، بی داروئی ها، بی درمانی ها، بی آموزشی ها، بی مسکنی ها، کارتن خوابی ها، گورخوابی ها، فقر، فلاکت، تبعیضات بشرستیزانه جنسیتی، کار هلاکت زای کودکان، اعتیاد، فحشاء، فساد، دزدی، ارتشاء، زندان، شکنجه، سبعت، اعدام، تباهی ارزشهای انسانی، یکایک اینها از وجود سرمایه، نظام سرمایه داری و تسلط و حاکمیت سرمایه نشأت می گیرد. آب آشامیدنی، قوت لایموت، فضای تنفسی، سلامتی، بهداشت، درمان، آموزش، امنیت و همه چیز ما سرمایه، ساز و برگ فریبهی و رشد سرطانی غول آسای سرمایه، قربانی بارگاه قدرت سرمایه داری و طبقه درنده سرمایه دار می شود. اگر قرار است از شر این سیه روزی ها و تحمل این مصیبت ها آزاد گردیم باید آماده نابودی و نابودسازی سرمایه داری شویم. راه دیگری نیست و برای این کار، برای آغاز این راه، برای تدارک ایفای این نقش، چاره ای نداریم جز آنکه یک قدرت شورائی ضد سرمایه داری گردیم. برای این کار مجبوریم:

۱ - همین امروز در هر کجا که هستیم، در کلیه مراکز کار و تولید، در کارخانه ها، مدرسه ها، بیمارستانها، حمل و نقل، کشت و صنعت، معادن، محله های مسکونی، همه جا دست به دست هم دهیم، شورائی و سرمایه ستیز متشکل شویم.

۲ - شوراها را به طور واقعی، زمینی، جنبشی، به عنوان سنگرهای پرخروش پیکار و نه مریخی و هشتگی به هم پیوند زنیم، از کلیه شبکه های اینترنتی و آخرین دستاوردهای تکنیکی برای به هم پیوند خوردن، برای برپائی شوراها و همپیوندی آنها استفاده کنیم اما ارتباطات موبایلی و هشتگی را جایگزین جنبش متحد، متشکل، شورائی و ضد بردگی مزدی نسازیم. این جایگزینی همان چیزی است که سرمایه و دولت سرمایه داری می خواهد، احزاب، محافل و باندهای اپوزیسیون نمای

راست یا چپ بورژوازی می خواهند. با لفظ بازی در هشتگ، تلگرام، اینستاگرام، کلاب هاوس نمی توان یک قدرت متحد زمینی، در جنگ جاری طبقاتی تعیین سرنوشت شد. از همه این ابزار بیشترین بهره ها را برگیریم اما آنها را جایگزین قدرت سازمانیافته شورائی ضد بردگی مزدی نکنیم. شوراها را برپا داریم، با هم یکی کنیم و یک جنبش نیرومند شورائی و ضد سرمایه داری به وجود آریم.

۳ - از درون شوراها و در سنگر پرخروش جنبش شورائی سرمایه ستیز، آماده تصرف همه مراکز کار، تولید و توزیع، آماده تسلط کامل بر سرنوشت کار و زندگی خویش شویم. ما همین الان می توانیم دست به کار تدارک لازم برای اجرای این نقش سترگ شویم. چرخه تولید سرمایه داری را از نقطه آغاز تا پایان، ما می چرخانیم و ما خود، خوب قادریم که این پروسه را به جای آنکه در خدمت تولید سود، تولید سرمایه و بقای نظم، قدرت و حاکمیت سرمایه داری باشد، در راستای تأمین و تضمین ماندگار معیشت، رفاه، امنیت، آسایش، سلامتی، آموزش، بی نیازی و تعالی هر چه پرشکوه تر زندگی خویش برنامه ریزی کنیم. توان آن را داریم که این برنامه ریزی را لباس اجرا پوشانیم. ما توانائی این کار را داریم. باید آن را سازمان داده، محقق سازیم و به نمایش بگذاریم.

۴ - شوراها را دانشگاه، مرکز آموزش، آگاهی، انتقال تجارب، چاره اندیشی، میدان مساعد دخالتگری آگاه، آزاد، نافذ، خلاق و برابر تمامی آحاد توده های کارگر در کلیه تصمیم گیری ها، در برنامه ریزی کار و تولید، در اینکه چه تولید کنیم و چه تولید نکنیم، چه میزان تولید نمائیم، چه کارهائی لازم است و کدام کارها باید تعطیل گردد، در توزیع برابر کل حاصل کار و تولید میان همه افراد انسان ها، در تشخیص و تعیین هوشمندانه نیازهای معیشتی و رفاهی آحاد جامعه، در انطباق چرخه کار و تولید با این نیازها، در تعیین و تنظیم مرادادات اقتصادی و سیاسی بین المللی، در تحقق همپیوندی انترناسیونالیستی با همزنجیران طبقاتی و در تمامی امور دیگر سازیم.

۵ - تمامی خانه های خالی موجود را به تصرف شوراها در آوریم و در اختیار انسان های آواره بی خانمان قرار دهیم.

۶ - تأسیسات آب و برق، سدها، نیروگاهها، شبکه های مختلف آبرسانی، برق رسانی را در اختیار گیریم و امور مربوط به برنامه ریزی تولید، انتقال و توزیع آب و برق و گاز را امر جاری شوراها یا قدرت سازمان یافته سراسری و شورائی خود کنیم. با این کار، حتی ضربتی و فوری مشکل بی آبی، خشکی، برخی فجایع زیست محیطی را از میان برمی داریم.

۷ - کلیه فروشگاههای بزرگ خصوصی و دولتی سرمایه داری را از چنگال صاحبان سرمایه خارج و محل توزیع رایگان مایحتاج معیشتی انسان ها سازیم.

۸ - با قدرت سازمان یافته شورائی در مقابل تهاجم قوای قهر و سرکوب

سرمایه مقاومت کنیم. از آنچه تصرف می کنیم و به دست می آوریم دفاع نمائیم، شوراها را ستاد همزمزی، همسنگری و جنگ ضد سرمایه داری سازیم.

۹ - خیزش روز ما از زمین و آسمان در معرض تهاجم، توطئه، لشکرکشی و هولوکاست پردازی ارتجاع بورژوازی اعم از حاکم یا اپوزیسیون است. جمهوری درنده اسلامی با همه قوا ما را سرکوب خواهد کرد. شبکه اختاپوسی بسیار چیره درون این رژیم، شبکه مالک و مستولی بر تمامی تراست های غول پیکر صنعتی، مالی، حمل و نقل، کشاورزی، معادن، نفت و گاز، شبکه مسلط بر اهرمهای قدرت سیاسی، نظامی، پلیسی، امنیتی، شبکه مخوف تعیین کننده سیاستهای منطقه ای و بین المللی رژیم، این شبکه کاملاً آماده است تا در صورت تداوم طغیان مبارزات و خیزش ها، به هر جنایت و بربریتی دست یازد، اگر رژیم را در خطر سقوط حتمی بیند، راه کودتاگری پیش گیرد، ساختار قدرت سیاسی روز را دستکاری کند، با قطب های قدرت سرمایه جهانی وارد گفتگو گردد و با اجرای کل این دسیسه ها جنبش ما را منکوب و ماندگاری سرمایه داری و دولت سرمایه را تضمین کند. تهدیدات علیه خیزش ما، اما در این حد خلاصه نمی شود، گفتارهای هار و حیثیت باخته سلطنت طلب، باندهای موسوم به جمهوری خواه، مافیای مجاهد، دکانهای کسب و کار ورشکسته و بدون هیچ رونق حزبی از راست تا چپ و آخر اما نه کمتر از اینها، گرگهای گرسنه سهم جوی ناسیونالیست از فارس و عرب گرفته تا کرد و بلوچ تاریخا، همیشه، همه جا و همین الان در درون همین کارزار جاری روز ما، به جستجوی سهم سود و قدرت و کجراه بردن مبارزات ما مشغول بوده و مشغولند، همه این ها در تقلا هستند تا قطار پیکار طبقاتی ما را از ریل واقعی ضد سرمایه داری و ضد بردگی مزدی خارج سازند، همه و هر کدام خواستار ماندگاری سرمایه داری و احراز حصه دلخواه در سهام سود، مالکیت، قدرت و حاکمیت سرمایه اند.

جنبش ما باید کلیه این مخاطرات، توطئه ها، لشکرکشی ها و هولوکاست آفرینی ها را خنثی کند و در هم کوبد. یگانه راه پیشبرد این کار و حصول این هدف آنست که شورائی و ضد سرمایه داری متشکل شویم. هر لحظه تأخیر در ایفای این نقش، هر اندازه تسامح و اهمال در به دوش کشیدن بار این رسالت عظیم، قطعاً مجال دادن به طبقه بورژوازی برای در هم کوبیدن جنبش جاری ما است. تاریخ مبارزه طبقاتی فریاد رسا و درس سترگ این حقیقت غیرقابل تردید است که هر گونه قصور، غفلت و کژانگاری در دادن پاسخ رادیکال طبقاتی به نیازهای سرکش عاجل پیکار، هزینه های سهمگین و توان های تاریخی فاجعه آفرین خواهد داشت. بیائید دست به دست هم دهیم، شوراها را تشکیل دهیم و جنبش شورائی سرمایه ستیز خویش را پدید آریم.

عزت نفسمان زیر چنگ این پیمانکاران وحشی و ظالم دارد خرد میشود. دوستان! با رفتن به خانه هیچ مشکلی حل نمی شود. وعده و وعید را قبول نکنیم. تا اینجا خوب آمده ایم و با اتحاد و همبستگی ادامه دهیم تا خواسته هایمان را متحقق کنیم. تنها راه اعتصاب و تجمع گسترده است. باید در محل کارمان اعتراض یکپارچه کنیم و خواب را از چشم غارتگران برابیم. دست پیمانکاران مفتخور و چپاولگر کوتاه. این خواست همه ما کارگران پیمانی و پروژہ ای نفت و همه کارگرانی است که اسیر چنین شکلی از بردگی هستند. صف ما وسیع است و قدرت ما در اتحادمان است. با اتحادمان هزینه مبارزه را هم کمتر خواهیم کرد و با قدرت بیشتری به مبارزه مان ادامه خواهیم داد. اتحاد ما رمز موفقیت و پیروزی ماست. متحد باشیم. باید به این بردگی پایان داد و حقیقتا دیگر بس است.

سلام من رضا کارگر شرکتی هستم. اعتصاب کردیم برای اینکه در رنج و عذاب هستیم و هیچکس به فکر ما نیست. همه ما جوانی و بهترین دورانی را که می توانستیم حق زندگی و شاد بودن در کنار خانواده داشته باشیم، صرف بردگی برای ظالمان سرمایه دار شد. ما زیر فشار کار پیر شده ایم دگر حوصله هیچ کاری را نداریم. در این گرما و هوای شرعی که زنده ماندن دشوار است، از ما مانند بردگان زمان فراغنه کار می کشند و آخر سر هم حقوقی در کار نیست. خانواده ای که منتظر است که ما دست پر برگردیم، بچه هایمان که قول اسباب بازی را به آنها داده ایم و با برگشت ما در انتظار برآوردن آرزوی خویش هستند، و بعد ما با جیب خالی و شرمندگی آرزوی مرگ می کنیم. تا کی باید وضع به اینگونه باشد. چقدر به دل می نشیند وقتی که کارگر فریاد میزند «کارگر می میرد، ذلت نمیپذیرد» و این شعار و احساس قلبی تک تک ما کارگران است که زندگی و معیشت و

### پاسخی کوتاه به رضای عزیز:

رسد بی اطلاعی و عدم ارتباطات منسجم ما بین خود کارگران حوزه نفت در طی این اعتصاب است چه رسد به کارگران غیر نفتی. سوال ما این است که در طی این مدت کدام فعالیت ها برای ارتباط گیری بین خود و دیگران صورت گرفته که بتواند مبنای مستحکم تری برای پیشبرد اعتراضات فعلی و آتی باشد. اتحاد با صرف شعار بوجود نمی آید. باید یکدیگر را پیدا کنید. در خانه یکدیگر را بکوبید. جلسات بحث و مشاوره بگذارید تا بتوانید ارتباطات دائمی ایجاد کنید. این اعتصاب حتا اگر به نتیجه دلخواه نرسد اگر بتواند وسیله آشنایی و ارتباطات هدفمند میان شما شود، اگر تبدیل به شوراهاى ضد سرمایه داری گردد واقعی ترین و ارزشمندترین دستاورد ها است.

یک کارگر ضد سرمایه داری

رفیق رضای عزیز! نامه شما قلب هراسانی را به درد می آورد. این زندگی در رنج و عذاب همانطور که بدرستی گفته اید به سبب بردگی مزدی برای سرمایه داران است. اما چرا فکر می کنید کسی به فکر شما نیست؟ در طی اعتصاب شما، کارگران بسیاری از مناطق ایران به حمایت شما دست از کار کشیدند، حتی شرکتهایی از حوزه های غیر نفتی به اعتصاب پیوستند. شما به درستی در انتهای نامه می گوید که این همه فجایعی که گریبان شما را گرفته سرنوشت مشترک بسیاری نیز هست، و اتحاد را رمز پیروزی می دانید. این سخن شما چکیده مبارزات طبقه ما کارگران جهان در طی قرنهای موجودیت مان است.

اما رضای عزیز، نگاهی کوتاه به مبارزات اخیر شما نشان از کم و کاستی هایی بسیار جدی در این زمینه دارد. آنچه به نظر می

# نامه ی یک کارگر پیمانی



نامه ی زیر را یک کارگر پیمانی که دهه هشتاد در عسلویه و بعدها در خط لوله کار می کرده، خطاب به دوستان شورای سازماندهی اعتصابات کارگران نوشته است:

سراسری حاصل تجربه مبارزاتی است که شما در چند بیانیه ذکر کرده اید. اعتصابات و اعتراضات در پروژه ها بویژه عسلویه رادیکال و با اتکا به قدرت کارگران در برابر سرمایه ظاهر میشد. مبارزات سرکش در عسلویه تسلیم راهکارهایی که از سوی تشکل های دست ساز دولت بورژوازی چون شورای ارتجاعی اسلامی کار و مجمع نمایندگان که میخواستند کارگران را از مبارزه با سرمایه بازدارند، نشد و در مقاطعی که رفرمیست ها باتوسل به قانون قصد داشتند مبارزات کارگری را در چهارچوب سرمایه زمین گیر کنند، به نسخه پیچی های رفرمیستی سندیکایی و اتحادیه ای واقعی نهند. اما مبارزات در عسلویه توفانی و کم پشت بود. چون رعد و برق غرش کنان با انگیزه گرفتن دستمزد معوقه و یا تغییر کوچکی در کیفیت صبحانه و یا نهار به پیکار با سرمایه رو می آورد و کارگران دست از اعتصاب میکشیدند، اما در مدت کوتاهی کارگران با متحقق شدن حداقلی از مطالباتشان به سر کار های خود باز میگشتند. بعضی از اعتصابات و اعتراضات با ایجاد زمینه از سوی پیمانکار برای گرفتن پول از شرکت نفت و یا پیمانکاران بزرگی که بطور مستقیم با شرکت نفت قرارداد داشتند و یا افزایش دستمزد چند سوپروایزر انجام میگرفت که در بعضی از این اعتصابات چند کارگر ساده هم اخراج میشدند، که مصداق آتش خورده و دهان سوخته بود. یکی از معضلات مبارزات کارگری در عسلویه و دیگر کارهای پروژه ای، پراکندگی مبارزات بوده و هست. دستمزد پایین، کیفیت بد غذا، فضای نامناسب در کمپ ها، سرویس های بدون کولر و فرسوده و .... مطالبات همه کارگران بوده و هست. هیچگاه کارگران بطور یکزمان و یک صدا برای گرفتن این مطالبات علیه سرمایه خیز برنداشتند. در چند سال اخیر و بویژه سال گذشته کارگران در مبارزه پیگیر بودند اما خواست و مطالبات خود را بطور سراسری مطرح نکردند. شورای سازمانده با طرح مطالبات کارگران چون بیست روز کار و

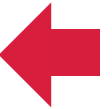
دلیل تاخیر در نوشتن این نامه آن است که بر آن بودم از طریق دوستان همکار گذشته نامه را بدستتان برسانم. اما همان طور که خودتان بهتر میدانید، فروشندگان نیروی کار در عسلویه سیالند. اخراج، اتمام پروژه، بلک لیست شدن، بیکاری مکرر، مشکلات خانوادگی و هزاران گرفتاری دیگر که سرمایه برایمان بوجود می آورد، ما را از دیدن یکدیگر محروم میکند. لذا تصمیم گرفتم برخلاف میلم فعلا این نامه را از طریق فضای مجازی ارسال کنم. اعتصاب و اعتراضات در عسلویه، کنگان، جم و بطور کلی پارس جنوبی در مبارزات حال یعنی اعتصاب سراسری کارگران پیمانی خلاصه نمیشود. بلکه ستیز کار و سرمایه بنا به سرشت ذاتی اش از روزی که سرمایه در عسلویه خیمه زد و با تسلط بر حاصل نیروی کار، صحرای برهوت عسلویه را تبدیل به جایگاه ده ها پالایشگاه و سرازیر شدن سرمایه داران در بخش ساختمان، برق (واردکنندگان تجهیزات برقی)، ابزار، تولید غذایی و در نهایت بهشت سرمایه داران کرد، وجود داشته و تا این شرایط پابرجاست وجود خواهد داشت. مبارزات کارگران در سال ۸۵ که چند فاز با هم دست از کار کشیدند و صاحبان سرمایه را به تکاپو انداختند، اعتصاب کارگران برق در شرکت ای جی سی، اعتصاب کارگران کابل کش بلوچ که یاد آوری ان واقعا جانکاه است و پیمانکار در آن روز همه کارگران بلوچ را ساعت ۱۲ به این بهانه که خسته شده اید به کمپ برد و در غیاب کارگران دیگر در کمپ به هزینه خود کارگران، روانه بلوچستان کرد، هر یک دنیایی شور و مقاومت را در اذهان کارگران تداعی میکند. ردیف کردن خاطره اعتراض و اعتصاب کارگران به خاطر شرایط نامطلوب و غیرانسانی زیست، دستمزد پایین و غذا در عسلویه دهها خاطره از کارزار های مبارزاتی را خلق کرده است. غرض از اشارات فوق آن است که بگوییم اعتصاب

ده روز استراحت و حداقل دستمزد دوازده میلیون تومان کاری سترگ و ارزنده انجام داد. مطالبه ای که همیشه در مبارزات کارگری مغفول مانده بود و نیز خواستی که میتواند خواست و مطالبه تمامی کارگران در ایران سرمایه داری باشد و نیز میتواند در یک کاسه کردن مبارزات کارگران موثر باشد. کار ماندگار شورای سازمانده در جنبش اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت پراتیک نشد، ما در این جا به ضعف های شورای سازمانده اشاره میکنیم. شورا بدرستی در بیانیه شماره ۱۰ به نقش دخالت گری کارگران اشاره میکند، اما برای عملی کردن این خواست راه کاری ندارد. برای این کار میشد کارزاری عملی جهت تحقق مطالباتی که اعتصاب سراسری حول آن شکل گرفت، راه انداخت. شورا صرفاً به صدور بیانیه اکتفا کرد. ظرف دخالت گری کارگران شورا هاست. این شورا ها میتوانند در منطقه ای که کارگران فعلاً دراعتصاب به سر می برند (زندگی میکنند) و به سادگی با یکدیگر ارتباط دارند شکل گیرد. به عنوان مثال : کارگران میان کوه، سرخون علیا، سفلا، گندم کال شلیل، لردگان، ریگ کلا جوانمردی، الونی، مال خلیفه، ایذه، پیان (پیون)، سوسن مسجدسلیمان و هفشجان که بتازگی گردهمایی داشتند میتوانند شوراهای خود را بر پا دارند. ابتدا شوراهای در گهرو شلمزار، الیکو، جونقان دستنا، و .... تشکیل شوند و یا کارگران ناغانی، دوپلانی، اردلی و .... برای تشکیل شوراهای دست به کار شوند. در شوراهاست که دخالت گری کارگران عملی می شود. هم اکنون در میان کارگران این بحث ها وجود دارد. بخشی میگویند : بدون بررسی و تعمق محیط کار را ترک کردیم بایستی ضمن دست از کار کشیدن در منطقه میماندیم. به جز کاخ ویلاهایی که برای مدیران سرمایه از محصول کار ما بنا شده اند علاوه بر کمپ ها، ده ها و بلکه صدها ساختمان در منطقه وجود دارند. یا گروهی از کارگران میگویند. تصمیم جمعی بگیریم و خودمان را به منطقه برسانیم.

و یا این سخن ها هم در میان کارگران شنیده میشود: کارگران سوسن، پیون دهدز در ایذه جلوی یکی از

نهادهای دولت سرمایه جمع کنیم. در مسجدسلیمان، ایذه و .... تظاهرات و راهپیمایی برگزار کنیم و از کارگران بیکار و شاغل بخواهیم به حمایت از اعتصاب کارگران پیمانی چرخ تولید سرمایه را از حرکت باز دارند. راهکارهای متنوع دیگر باید طرح و مورد مذاقه قرار گیرند. جای طرح این نظرات در شوراهاست. آنجاست که دخالت گری کارگران گل میکند. آنجاست که راهکار های بدیع و کارآمد فوران میکند. آنجاست که کارگران هم آموزش میدهند و هم آموزش میگیرند. در این شوراهای سخنان کارگران ساده به گوش خواهد رسید و در میان سایر کارگران گفته میشود. «ما کارگران ساده، کار لیفتراک میکسر و .... در پروژه انجام میدهیم. ما کارگران ساده زیر برق آفتاب سوزان، گروت (نوعی سیمان) برای فونداسیون هایی که کمپرسورها و ... بر روی آن ها قرار میگیرد، می سازیم.» تسطیح منطقه ای که اکنون پالایشگاه ها قد کشیده اند بوسیله کارگران ساده انجام گرفته است. فراموش نکنیم کار با بیل و کلنگ و آماده کردن ملات هم فنی است که مستلزم یاد گیری است.

از موضوع دور نشویم. مقاطعه کاران با حمایت دولت سرمایه و شورای اسلامی کار و مجمع نمایندگان و تشکل های سندیکایی (ابر گروه ...) در به شکست کشاندن اعتصاب کارگران از هیچ جنایتی ابا ندارند. مقاطعه کاران، از سرکارگراها، سوپر وایزر ها و روابط خانوادگی و فامیلی برای ایجاد تفرقه و شکاف در صفوف کارگران اعتصابی استفاده میکنند و درصدد به شکست کشاندن اعتصاب میباشند. با توجه به وضعیت پیش آمده به زعم ما شورای سازمانده میبایستی از لاک بی عملی خود بدر آید و عملاً برای ایجاد شوراهای دست به کار شود. متشکل شدن در شوراهای تنها راهی است که کارگران میتوانند قدرتمندانه با سرمایه مقابله کنند و او را وادار به تمکین در برابر خواست و مطالبات خود نمایند. شوراهای کارگران اعتصابی زمینه ساز جنبش سراسری شورایی کارگران علیه سرمایه خواهد شد.



از کتاب «سرمایه‌داری و فاجعه آلودگی محیط زیست» نوشته حسن عباسی

**مواد تکنیکی (Processing Aids)** موادی هستند که جهت افزایش طول عمر، تغییر رنگ، بو و مزه غذاهای آماده و نیمه آماده، مورد استفاده واقع می شوند. این مواد که شامل ۲۲ گروه مختلف است چیزی در حدود ۲۵۰ ماده رسمی را در بر می گیرد. ۴۱ ماده رنگی، ۴۹ ماده کنسرو کننده، ۴۴ ماده آنتی اکسیدان، ۱۲ ماده شیرین کننده و بیش از ۱۰۰ ماده دیگر. این کالاها فقط در حوزه تولید غذا بکار نمی روند بلکه در تهیه دارو، لوازم آرایش، شامپوها و صابون ها نیز به کار گرفته می شوند. پلی سوربات از جمله این مواد هستند. پلی سوربات ها حساسیت های پوستی ایجاد می کنند، اشخاصی که به پروپیلن گلیکول که در مواد آرایش وجود دارد حساسیت دارند به مواد پلی سوربات که جهت حل چربی ها به مواد غذایی افزوده می شود نیز حساسند.

علاوه بر مواد رسمی، هزاران ماده دیگر قانونی و غیر قانونی به غذاها اضافه می شود. از بین مواد رنگی استفاده شده ترکیبات آزو به خاطر اینکه آلرژی، آسم و تغییرات پوستی نظیر کهیر ایجاد می کنند از همه مشهورترند. از جمله این مواد کارمینیک اسید است، همان رنگ قرمز جذابی که در شیرینی جات، شربت ها و آب نبات ها موجب افزایش فروش آنها می گردد ایجاد کم خوابی، بیش فعالی، ضایعات جنینی و پرخاشگری می نماید.

مواد شیرین کننده نظیر سوربیتول موجب مشکلات روده ای، عفونت روده، امراض مغزی، گرفتگی عضلات، پرخاشگری و افسردگی می شوند. اکثریت قریب به اتفاق این مواد بصورت سنتز شیمیایی تولید شده و بنا بر این به محض ورود به بدن از طرف آنزیم هایی که جگر جهت مبارزه با مواد غریبه تولید می کند مورد حمله قرار می گیرند.

در اثر مصرف زیاد و یا طولانی مدت بعضی از مواد نام برده شده بدن انسان دچار اختلالاتی می گردد. سردرد، عرق کردن زیاد، سوزش گلو و افزایش فشار در سینه از جمله این اختلال

ها است. این علائم به سندروم رستوران چینی معروف است. زیرا این مواد در تولید غذاهای آماده و نیمه آماده چینی و آسیایی مصرف زیاد دارد و از این طریق از دهه ۱۹۷۰ وارد حوزه مواد غذایی سایر بازار های جهان از جمله رستوران های زنجیره ای شده است. مصرف بیش از حد این مواد تاثیرات مخربی بر جنین، جگر، سیستم عصبی و بینایی می گذارد و همچنین موجب شوک های آسمی، افسردگی و مشکلات رشد در جوانان و اختلالات هورمونی می شود.

موضوع دیگری که اهمیت ذکر دارد افزودن ترکیبات فسفری به غذاهای آماده و نیمه آماده است. این ماده به میزان بسیار زیادتر از احتیاج، جذب بدن می گردد. فسفات ها جهت کنسرو کردن و ترش نمودن مزه غذا استفاده می شوند. تاثیرات مخرب افزایش مصرف ترکیبات فسفر بسیار زیاد بوده و امراض قلبی، کاهش ظرفیت عملکرد کلیه ها و سرطان را می توان در زمره عوارض مصرف بیجای آن نام برد. حدود ۷۰ درصد غذا های نیمه آماده نظیر چیپس و انواع شیرینی ها و نانهای ماشینی حاوی انواع ترکیبات فسفر می باشند. فسفات نقش مایه خمیر را نیز بازی می کند. با افزودن فسفات، خمیر در مدت کوتاهی شکل طبیعی به خود می گیرد بدون اینکه پروسه آماده شدن چندین ساعته و در بعضی مواقع چند روزه ناشی از تأثیر خمیر ترش در خمیر نان سنگک را گذرانده باشد.

**سموم آفت کش** ساخت سرمایه چنان بی رحمانه به جان طبیعت و گیاهان می افتند، از چنان ظرفیتی برای تولید مسمومیت برخوردارند، به ویژه عمر این مسمومیت چنان طولانی و پابرجاست که مقاوم ترین موجودات و پاک کنندگان طبیعت یعنی قارچ ها، باکتری ها، میکروب ها و سایر موجودات ریز مفید نیز از عهده مقابله با آنها و بی خطر کردنشان بر نمی آیند.

یک نمونه این سموم د. د. ت (T.D.D) است که از اواسط ۱۹۵۰ به عنوان حشره کش مورد استفاده قرار گرفت. با

وجودی که استفاده از آن در بیشتر کشورها محدود شده اما اثرات وحشتناک مخربش بر جانوران آبی، انسان و طبیعت هنوز که هنوز است باقی است. د. د. ت اثرات مخربی روی سلسله اعصاب، کاهش کلسیم استخوان و اختلال سیستم جنسی دارد و با توان مقاومت زیاد در خاک، آب و بدن جانوران باقی می ماند. د. د. ت از همین طریق و به وسیله زنجیره غذایی، به موجودات دیگر و در نهایت به انسان منتقل می شود. تغییرات هورمونی، نازایی و باقی ماندن و دور چرخه طولانی مواد آفت کش در بدن انسان، حیوانات و گیاهان از عوارض آن ها است.

زیست کش ها سبب اختلالات عضوی نه فقط در مصرف کنندگان مواد غذایی حتی در پوشاک انسان ها نیز می شوند. پارچه ها در هنگام تولید و توزیع با انتی باکتری ها ضد عفونی می شوند تا هم بوی خوش دهند و هم سالم به بازار برسند.

وجود این زیست کش ها تاثیرات هورمونی بر موجودات می گذارند. اینها نظیر سایر داروهای هورمونی سبب بروز بیماریهای مهلک در کارگران کشاورزی می شوند. در بیشتر موارد بیش از چندین زیست کش در هر واحد محصول استفاده می شود. در این صورت افزایش تصاعدی تأثیر زیست کش ها بر یکدیگر پدیده ای کاملاً روشن است و این می تواند حتی هنگامی که ما مواد غذایی مختلف از میوه، سبزی و غیره حاوی مواد مختلف آفت کش را مورد استفاده قرار می دهیم، اتفاق افتد. نکته بسیار مهم دیگر زیست کش هایی هستند که تاثیرات هورمونی مخرب دارند. این ها سال به سال از نظر تعداد و شکل مولکولی تغییر می کنند. گزارش ها، انگور را یکی از بدترین محصولات به لحاظ وجود مواد سرطان زا، عقیم ساز و هورمونی در سموم دفع آفات مصرف شده نام می برند. سرمایه داران کشاورزی کشورهای فرانسه، ایتالیا و اسپانیا بزرگترین مصرف کنندگان زیست کش ها هستند. عوامل مهم دخیل در این جا کمپانی های تولید انگور و شراب این کشورها هستند. بعضی از شراب ها حتی تا ۱۰ زیست کش مختلف با خود همراه دارند و به طور متوسط وجود چهار زیست کش مختلف در یک شیشه شراب تعجب آور نیست.

در روابط تولید سرمایه داری کارگران، تولیدکنندگان همه کالاها و سرمایه ها هستند اما نه فقط قادر به هیچ دخالت و

اثرگذاری بر فرایند و سرنوشت این تولیدات نیستند که سرمایه در پی کسب سودهای کهنکشانانه هر چه را می خواهد بر سر زندگی و جسم و سلامتی آنها می آورد.

کل عمر نظام سرمایه داری در قیاس با تاریخ زندگی بشر دوره بسیار ناچیزی است اما در طول همین مدت اندک، ما تبدیل به انسان هایی شده ایم که در محیط محدود و تنگ شهرها، در آسمان خراش ها، میان دود و دم، زندگی مبتلابان مفلوک به صدها نوع بیماری شیمیائی محصول این شیوه تولید را تجربه می کنیم، اما مشکل فقط این نیست. میلیاردها کارگر همزنجیر مادر محیطی کار می کنند که مملو از مواد شیمیایی مضر برای بدن و باکتریهای مفید بدن است.

حشرات، جوندگان، علف های هرز، قارچ ها، باکتری ها، کرمها، پارازیت ها و حتی عنکبوت ها و پرندگان موجوداتی هستند که توسط سموم تولید شده کمپانی های کشاورزی و شیمیایی مورد حمله قرار می گیرند. و این یکی از بزرگترین هجوم های سرمایه داری به همین موجودات ریز طبیعت و بدن انسان است که باعث بی دفاعی انسان در مقابل اپیدمیهای آلرژی می گردد.

گذشته از موادی که با هدف کشتن و از بین بردن موجودات ریز و میکروب ها تولید و پخش می شوند امروزه حدود ۱۰ میلیون ماده شیمیایی شناخته شده در جهان وجود دارد. از این حدود ۵۰ هزار به طور فعال در کالاهای مختلف بکار می روند.

یک سوم کالای شیمیایی که مصرف عمومی دارد دارای یک یا چند ماده آلرژی زا هستند، در حالی که همین مواد در سال ۱۹۹۵ حدود ۱۶ درصد بوده است.

همه تحقیقات به طور واقعی بر یک چیز انگشت می گذارند. نوعی زندگی که روابط تولیدی سرمایه داری با روایت خاص خود از مدرن سازی بر انسان ها تحمیل کرده است زندگی غرق در انبوهی از مواد شیمیایی غریبه را برای بدن گردیده است.

هم اکنون و در طول مدت بعد از جنگ دوم امپریالیستی بیش از ۱۰۰ ماده خطرناک شیمیایی در بدن انسان گردش می کند، بدون آنکه نابود شود.

یک عرصه و حوزه جدید سرمایه تولید مواد به شکل نانو (نانو

تکنولوژی)، یعنی مواد شیمیایی در اندازه های بسیار کوچک در حد اتم و مولکول (۱ تا ۱۰۰ نانومتر (nanometre) است. دسترسی (وضعیت) زیستی مواد نانو با مواد متعارف فرق دارد بطوریکه براحتی از جدار سلولها و عروق عبور کرده و وارد آن می شوند.

عوارض سرطانی در جهان سیر صعودی نجومی دارد. منابع رسمی جمهوری اسلامی سرمایه در سال ۱۳۹۷ نرخ ابتلا به سرطان در ایران را ۱۵۸ در هر ۱۰۰ هزار تن گزارش کرده اند. تحقیقات وزارت بهداشت سرمایه نشان می دهد که در ۱۵ سال آینده سرطان در ایران دو برابر خواهد شد. وضعیت در تمامی دنیای سرمایه بر همین روال است. تعداد مبتلایان به سرطان در سال ۲۰۱۱ در سوئد (پروگنوس سالیانه) ۵۸۰۰۰ مورد بوده است که این ۶۴۴ در هر ۱۰۰ هزار نفر است. طبق این گزارش سالیانه به این رقم ۱/۷٪ اضافه می گردد که در سال ۲۰۱۷ به رقم ۷۲۰۰۰ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر است یعنی ۷۵۸ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت سوئد است.

در استان مرکزی ایران، در سال ۹۷ افزایش سرطان، نازایی، جنین های بدون قلب، معلولیت های کودکان، بیماری های پوستی و در نهایت مرگ و میر گزارش شده است. آلودگی های ناشی از «پالایشگاه نفت، پتروشیمی و نیروگاه حرارتی» را عامل همه گیر شدن بیماری های سخت در میان مردم این منطقه معرفی کرده اند. تخریبات محیط زیستی شامل بیماری اغلب مردم این منطقه، مسمومیت زمین های کشاورزی و دام ها نیز می شود.

بشریت طی دهه های اخیر شاهد بروز و افزایش سرسام آور انواع سرطان، آلرژی، اختلالات جنسی، زاد و ولدهای ناقص و اختلالات هورمونی است. یکی از بزرگترین و مهمترین تغییرات ژنتیک و جنسی انسان در دوره پس از جنگ امپریالیستی دوم کاهش قدرت زاد و ولد و بروز اختلالات جنسی است. بطوری که انسان بتدریج پس از جنگ مجبور به استفاده هر چه بیشتر

از وسایل دیگر نظیر لقاح مصنوعی (In vitro fertilization) و یا درون کاشت مصنوعی (Artificial insemination) است. به طور مثال در دانمارک از هر ده کودک یکی به این شکل به دنیا می آید و پیش بینی می شود که این روند افزایش یابد. دلیل اولیه را پژوهشگران دانمارکی کاهش فعالیت سلول های جنسی مرد می دانند. همزمان با افزایش ۴۰٪ سرطان بیضه بعد از جنگ امپریالیستی بین جوانان دانمارکی، محققان نتیجه گرفتند که این دو عامل کاهش فعالیت سلول های جنسی بعلاوه سرطان بیضه بانی و باعث افزایش نازایی هستند. آنها در واکاوی های افزون تر خود، افزایش مواد شیمیایی مشابه هورمونی، نفوذ آن در جنین و وقوع تغییرات ژنتیکی در سلولهای جنسی پسران در سنین حدود ۱۳ سال را علت اصلی همه این بیماری ها و اختلالات اعلام کردند. نتایج مشابه در نروژ، نیوزیلند، اسکاتلند، فرانسه مشاهده شده است. دیگر عوارض ناشی از تغییرات هورمونی مربوط به مواد مشابه، سرطان کودکان، چاقی و دیابت آنهاست. در این میان تاثیر متقابل و افزایش تصاعدی تخریبی چند ماده شیمیایی (Cocktail Effect) را نباید از نظر دور داشت.

آیا اینها پروسه محو سازی بشر و قربانی ساختن کل زندگی و زنده بودن میلیاردها کارگر در آستانه سوداندوزی انبوه تر سرمایه نمی باشد. آیا وقت آن فرا نرسیده است که روابط سرمایه داری و کار مزدی به زیر کشیده شود و روابطی مطابق نیازها و خواست های واقعی تمامی انسان ها بدور از هر گونه کار مزدی و بر پایه ی حفظ و نگهداری طبیعت بر قرار گردد؟ مسلما اگر چنین تغییری به زودی انجام نگیرد و چه بسا هم اکنون دیر باشد، این سیستم و روابط تولیدی زیر فشار تنگناها، تناقضات و معضلات باز تولید خویش و از همه مهمتر تنگتر شدن امکان انباشت سرمایه به نابودی علنی زندگی میلیارها انسان دست خواهد زد.





۱۹ تن به کار شاق دهند و خطر مرگ را به جان خرند. در چنین وضعی کارگران بخش درمان از همان آغاز با اراده ای استوار، عزمی راسخ، عظیم ترین فداکاری ها، تحقیر مرگ و تکریم شرف انسانی به پا خاستند تا در میان آتش و خون آفریده سبعیت ها و جنایت آفرینی های سرمایه داری و فاشیسم اسلامی سرمایه، از جان همزنجیران خویش دفاع کنند. آن ها در این گذر دست به پرشکوه ترین ایثارگری ها زدند، از جان خویش گذشتند تا پاسدار جان انسان ها باشند. کشته ها دادند تا دیگران را از مرگ برهانند. شمار واقعی جان باختگان این بخش طبقه کارگر مسلما از هزار افزون است. آنچه ما در اینجا در بیست و سومین متن تکمیلی آمار کشتگان (بین ۱۷ تیر تا ۲۴ مرداد ۱۴۰۰، اطلاعات قبل را در شماره های قبلی نشریه علیه سرمایه می یابید) می آوریم صرفا در برگیرنده نامحائ است که توانسته ایم از تاریکی زار ملامال از سانسور، خفقان، کنترل، بریدن زبان ها، شکستن قلم ها و دوختن دهن ها بیرون آریم.

طوفان ویرانگر بحران سرمایه داری، اپیدمی مرگ آور کووید ۱۹ مولود نکبت، ادبار و برهوت آفرینی سرمایه، عدم دسترسی کارگران به حداقل امکانات درمانی و حفاظتی برای مقابله با هجوم این بیماری مهلک، ابتلای چندین میلیونی و مرگ و میر چند صد هزار نفری همراه با دنیای فقر، فلاکت، آوارگی، بی بهداشتی و بدبختی حاصل استیلای سرمایه داری، همه و همه به صورت کوه آسا بر زندگی کل توده های کارگر دنیا آوار است. در این میان وضعیت توده کارگر ایران از غالب مناطق جهان رعب انگیزتر، فاجعه بارتر و خرد کننده تر است. اینجا هر نفس کشیدن اعتراضی کارگران هم توسط فاشیسم اسلامی آماج حمام خون است، هیچ نوعی امکاناتی در اختیار کارگران برای حفظ جان خود از خطر بیماری موجود نیست. کل کارگران از خردسال تا لب گور مجبورند برای امرار معاش روزانه، برای تأمین هزینه درمان و دارو، برای سیر تا پیاز «زندگی» به کار در هر شرایطی حتی در میان طوفان تاخت و تاز کووید

|     |   |     |   |
|-----|---|-----|---|
| ۷۴۱ | پروین قاسمی پرستار بیمارستان آبادان               | ۷۴۲ | محمد مهدی زارع متخصص هوشبری بیمارستان شیراز                 |
| ۷۴۳ | معصومه ادیبی دومیر کلایی پزشک جوان بیمارستان ساری | ۷۴۴ | زهرا نصیری اردلی سال چهارم علوم پزشکی شهر کرد               |
| ۷۴۵ | انسبیه دلفانی رزیدنت بیمارستان مسیح دانشوری       | ۷۴۶ | سهیلا خراسانی پرستار باردار بیمارستان خارک ششمین باردار     |
| ۷۴۷ | فرشته خاشی پرستار جوان بیمارستان زاهدان           | ۷۴۸ | پیمان سلیمانیان داروساز شهر بابل                            |
| ۷۴۹ | ژینا آذیری رزیدنت علوم پزشکی اصفهان               | ۷۵۰ | فائزه کمالی دندانپزشک جوان بیمارستان هرمزگان                |
| ۷۵۱ | جعفر شریفی متخصص اورژانس آبادان                   | ۷۵۲ | ناصر ذاکری ۲۸ ساله کادر مرکز درمان میناب                    |
| ۷۵۳ | سحر فرزین مقدم متخصص زنان بیمارستان تهران         | ۷۵۴ | قادر رحمانی کادر درمان بیمارستان بهبهان                     |
| ۷۵۵ | زهرا جودکی کوماس مامای بیمارستان خرم آباد         | ۷۵۶ | حمیدرضا شهبازی پزشک جوان بیمارستان یاسوج                    |
| ۷۵۷ | سوگند صداقت نیا رزیدنت بیمارستان تهران            | ۷۵۸ | صغرا درجزی پرسنل پرستاری بیمارستان لقمان                    |
| ۷۵۹ | رامین امینی متخصص بیهوشی بیمارستان گلستان         | ۷۶۰ | (افسانه احسانی پرستار باردار بیمارستان اهواز (هفتمین باردار |
| ۷۶۱ | راحله ذهنی مامای مرکز بهداشت ماهدشت کرج           | ۷۶۲ | مرتضی نفیسی متخصص بیهوشی بیمارستان برازجان                  |
| ۷۶۳ | حبیبه گنجعلی خانی کادر درمان شبکه بهداشت جیرفت    | ۷۶۴ | احمد رضا شفائی غلامی متخصص بیهوشی بیمارستان تهران           |
| ۷۶۵ | الهه پارسراد پرستار جوان بیمارستان قزوین          | ۷۶۶ | نسیم سامانی پور ۲۴ ساله متخصص بیهوشی بیمارستان تهران        |
| ۷۶۷ | احمد زینلی متخصص توانبخشی بیمارستان یزد           | ۷۶۸ | صغری آقابابایی پرستار بیمارستان اصفهان                      |
| ۷۶۹ | سید اسد توفیق پزشک شبکه بهداشت فیض آباد           | ۷۷۰ | عباس رحیمی جراح عمومی علوم پزشکی هرمزگان                    |
| ۷۷۱ | حسین خزائل کادر درمان بیمارستان ماهشهر            | ۷۷۲ | خلیل فجوقی پزشک عمومی انزلی                                 |

## برخی گزارشات حوزه درمان سرمایه

گوشیهای مردم را بگیرید! طبق دستور العملی که از سوی نهادهای امنیتی صادر شده همراهان و بیماران تحت هیچ شرایطی حق ندارند با تلفنهای همراه خود عکسبرداری و فیلمبرداری کنند. در بیمارستان مسیح دانشوری به شدت از سوی نیروهای انتظامات این بیمارستان این موضوع پیگیری و رصد می شود.

**۱۷ مرداد /** دبیرکل خانه پرستاری کشور: بستری بیماران کرونا سه برابر شده و کمبود پرستار کادر درمان رواز پا درآورده. وزارت بهداشت از هم پاشیده و مردم مراقب خودشان باشن که هیشکی

**۲۴ مرداد /** مدیر بخش «آی سی یو» کرونا در بیمارستان امام رضا مشهد «نسبت به تضعیف روحی و روانی شدید کادر درمان ابراز نگرانی کرد. علیرضا صداقت با بیان اینکه فشار روانی بر کادر درمان، شاید حتی از ابتلا به کرونا بدتر باشد، گفت: در این شرایط حتی میل به خودکشی در بین درمانگران افزایش و امید به زندگی کاهش پیدا کرده است که واقعا جای نگرانی دارد».

**۲۲ مرداد /** دستوری که از سوی محمد مخبر معاون اول رئیسی صادر شده است: در بیمارستانها، حتی در محوطه‌هایش،

نیست به دادشون برسه!!

**۱۶ مرداد /** به گزارش روزنامه شرق؛ ۱۲۰۰ فوتی کرونا در روز به واقعیت نزدیکتر است تا آمار رسمی اعلام شده!!

**۱۱ مرداد /** عضو شورای شهر تهران: در بهشت زهرا روزانه ۴۰۰ نفر دفن می‌شوند. این در حال است که سازمان بهداشت و درمان و مسئولین جمهوری سالمی سرمایه کل کشته شدگان کرونایی در سراسر ایران را ۴۵۰ گزارش کرده است!!

**۷ مرداد /** یکی از اعضای کادر درمان بیمارستانی در تهران: «تراکم زیاد بیماران بدحال در بیمارستان رو نشون میده و از نبود دارو و امکانات می‌گه. می‌گه باید سه راهی وصل کنیم که اکسیژن رو به چند نفر برسونیم! تخت‌ها بهم چسبیده طوری که نمی‌شه رد بشیم، نه دارو هست نه سرم نه آب، با حداقل فشار اکسیژن باید سه راهی هم بگذاریم تا به چند نفر اکسیژن برسونیم، البته اگر پول داشته باشین همه اینا تو بازار براحتی پیدا می‌شه!

**۴ مرداد /** پرستاری می‌نویسد: طغیان بیماران بستری و نبود تخت خالی و اکسیژن رییس بیمارستان سینای تهران: به داد بیمارستان‌ها برسید در موج فزاینده پیک پنجم کرونا قرار داریم. من تقاضا دارم مراکز دیگر مانند مراکز ارتشی و شهرداری به داد بیماران و بیمارستان‌ها برسند. اگر تعداد بیماران مقداری بیشتر شود، دیگر پشت درب بیمارستان می‌مانند. روزی حدود ۱۰۰ یا ۱۵۰ نفر برای دریافت دارو می‌آیند و این نشان می‌دهد لود بیماری نسبت به پیک قلبی حدود ۳ یا ۴ برابر بیشتر شده است. الان تقریباً در حالی هستیم که منتظریم یک تخت خالی شود تا بیمار بعدی را بستری کنیم. خرید اکسیژن الان یک چالش است چون هم گران است و هم به سرعت تمام می‌شود.

**۲۹ تیر /** پرستار از درون بیمارستان خمینی گزارش می‌دهد: بخش کوچکی از اورژانس بیمارستان امام خمینی تهران که در روزهای عادی پذیرش ۱۷ نفر بیمار رو داره ولی الان ۵۳ تا تخت داره با ۴ تا پرستار که مجبورن بدون اعتراض به لغو مرخصی و شیفتای سنگین این تعداد مریض رو کاور کنن واقعا فکر نمیکنم هرکسی بتونه تو چنین جایی کار کنه!!

**۲۷ تیر /** ۱۱ مطابق ۱۸ ژوئای ۲۰۲۱ پروفیسور استیو هنکی استاد

اقتصاد دانشگاه جان هاپکینز: موارد ابتلا به کووید-۱۹ در ایران سر به فلک می‌کشد. پروفیسور هنکی در توییتی نوشت: بنا به گفته همکاران من در دانشگاه جانز هاپکینز JohnsHopkins موارد ابتلا به کووید-۱۹ در ایران سر به فلک می‌کشد حتی با وجودیکه دولت یک قرنطینه خانگی دیگر اعمال می‌کند. با توجه به این که تنها ۲,۵۸ درصد مردم ایران کاملاً واکسینه شده‌اند، ایران در موج پنجم ابتلا به ویروس است.

**۲۵ تیر /** مدیرعامل اتحادیه تاکسیرانی‌های شهری کشور: از شروع شیوع ویروس کرونا تا کنون ۱۰ هزار نفر از رانندگان تاکسی به این ویروس مبتلا شده‌اند و بیش از ۷۰۰ راننده تاکسی فوت کردند.

**۲۴ تیر /** رئیس بخش عفونی بیمارستان کودکان مفید اظهار داشت: در یکسال و نیم گذشته از زمان آغاز پاندمی کرونا ۷۷ مرگ در کودکان ناشی از کرونا فقط در بیمارستان مفید داشتیم که با ویروس جدید دلتا آمار ابتلا و بستری کودکان بیشتر از قبل شده است. وی ادامه می‌دهد: شرایط را مشابه سال ۱۳۹۹ در نظر بگیرید، اکنون بیمارستان‌های اطفال ما تعداد موارد بستری بیشتر شده است. بنابراین در حال حاضر بخش‌های اطفال مان پر است و کمبود بخش هم داریم. در حالی که در سال قبل چنین موضوعی درباره بیمارستان‌های کودکان مطرح نمی‌کردیم.

**۲۱ تیر /** احمد روشنی، مدیرعامل سازمان تاکسیرانی تهران، به فارس گفت: «آمار فوتی‌های کرونا میان رانندگان تاکسی به ۴۰ تا ۵۰ مورد در ماه رسیده است.»

**۱۹ تیر /** علاوه بر شهرهای قرمز قبلی، از ۱۹ تیر شهرستانهای خوی (آذربایجان غربی)، اردبیل (استان اردبیل)، آران و بیدگل و خمینی شهر (اصفهان)، دره شهر (ایلام)، بروجن (چهارمحال و بختیاری)، قوچان (خراسان رضوی)، هندیجان (خوزستان)، گرمسار (سمنان)، ممسنی (فارس)، آق‌قلا، کردکوی، گالیکش و گرگان (گلستان)، بندر انزلی، رودبار و رودسر (گیلان)، دلفان و سلسله (لرستان)، بهشهر، جویبار، رامسر و فریدونکنار (مازندران)، دلیجان و محلات (مرکزی) در وضعیت قرمز قرار گرفتند.

## اخبار اعتراضات کارکنان حوزه درمان سرمایه

واریز بیمه بازنشستگی پرسنل بیمارستان از سال ۹۶ پرداخت نشده است.

**۱۰ مرداد /** تجمع اعتراضی پزشکان عمومی مرکز علوم پزشکی شیراز در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و عدم امنیت شغلی مقابل ساختمان مرکزی علوم پزشکی شیراز دست به تجمع اعتراضی زده اند.

**۴ مرداد /** کارکنان بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و عدم امنیت شغلی خود مقابل سازمان همیاری شهرداری های البرز دست به تجمع زدند.

**۲۷ تیر /** کادر درمان و کارکنان تامین اجتماعی در اعتراض به سطح نازل دستمزدشان در مقابل سازمان امور اداری و استخدامی دست به تجمع زدند.

**۲۰ تیر /** کارکنان بهداشت و درمان معروف به نیروهای ۸۹ روزه دانشگاه علوم پزشکی مشهد در اعتراض به سطح نازل دستمزد و عدم امنیت شغلی خود دست به تجمع زدند.

**۱۹ تیر /** گروهی از کارکنان شرکتی پایگاهها و مراکز خدمات جامع سلامت استان قم، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در محوطه دفتر نماینده قم تجمع کردند.

**۲۳ مرداد /** کارکنان شرکتی مراکز خدمات جامع سلامت استان قم روز شنبه ۲۳ مرداد در اعتراض به سطح نازل دستمزدها، عدم حذف شرکت های واسطه یا پیمانکاری دست به تجمع زدند.

**۲۱ مرداد /** دانشجویان درحال آموزش پزشکی ( اینترن ) در اعتراض به شرایط سخت و حادثه آفرین کاری، دستمزدهای نازل، عدم امنیت شغلی، ساعت کاری بالا، عدم احتساب بیمه و سابقه کار این دانشجویان مقابل دانشگاه علوم پزشکی همدان دست به تجمع زدند.

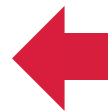
**۱۶ و ۱۷ مرداد /** دانشجویان درحال آموزش پزشکی ( اینترن ) در اعتراض به شرایط سخت و حادثه آفرین کاری، دستمزدهای نازل، عدم امنیت شغلی، ساعت کاری بالا، عدم احتساب بیمه و سابقه کار این دانشجویان مقابل دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه دست به تجمع زدند.

**۱۳ مرداد /** تعطیلی بیمارستان خمینی کرج و تجمع اعتراضی هر روزه کادر درمان و دیگر کارکنان این بیمارستان دست به تجمع و اعتراض زدند زیرا این بیمارستان در اختیار همیاری های شهرداری استان البرز و بنیاد شهید تهران هست و قصد تغییر کاربری بیمارستان را دارند و دستمزدهای پرداخت نشده و عدم

#متحدوشورایی\_واکسن\_کرونا\_رایگان\_سازیم  
#کارگران\_ضد\_سرمایه\_داری

#شورایی\_ضد\_سرمایه\_داری\_متشکل\_شویم  
#مراکزکاررا\_تعطیل\_و\_بهداشت\_و\_درمان\_را\_رایگان\_سازیم

## درد بر مادران مبارز



## ضد رژیم درنده اسلامی سرمایه



یک کولبر / دهم تیر ۱۴۰۰

امروز شمار کثیری از مادران جسور، شجاع و مبارز جان دادگان شورش خونین کارگری آبان، در میدان «آزادی» تهران دست در دست هم همبستگی پرخروش خویش با خیزش سراسری توده های عاصی و گرسنه کارگر، در سرتاسر جهنم سرمایه داری را فریاد زدند. مادران قهرمان از محل اجتماع، راهی متروی «صادقیه» شدند. ایستگاه صادقه در زمره پرازدحام ترین مراکز تجمع و تعویض خطوط انتقال کارگران از تهران به کرج و بالعکس است. مادران در اینجا خطاب به توده وسیع انسان های حاضر و عابر فریاد سر دادند که «چه نشسته اید؟؟!! مگر گرسنگی مرگبار معترضان خوزستانی گرسنگی شما نیست؟ مگر بی آبی و تشنگی و فلاکت آنان درد زجرآور و کشنده همه ما نمی باشد؟ مگر قهر و طغیان و آتش پیکار آنان شعله ها خشم و عصیان و اعتراض همه ما نیست؟ چرا به آنها نمی پیوندید؟ چرا خاموش و صامت و تسلیم هستید؟ برخیزید! مادر پژمان قلی پور جوان جان داده خیزش خونین کارگری آبان ۹۸ با صدانی قهرا آگین و تندرگون رو به پاسداران بشرکش و مزدور رژیم اسلامی سرمایه فریاد زد که من با تمامی توان همراه همه معترضان می جنگم. از شما، از رژیم شما، از قدرت ضد بشری شما، از خدای شما و از هیچ خدائی نمی ترسم. راهپیمائی پرشور مادران مبارز جاندادگان آبان و جاندادگان چند ده سال حاکمیت وحوش اسلامی سرمایه، خیلی سریع مورد تهاجم قهرآمیز عمده و اکره کشتار جمهوری اسلامی قرار گرفت. چکمه پوشان دژخیم و خونریز سرمایه با تمامی سبعیت به جان مادران داغدار افتادند و دست به کار متفرق شدن آنها گردیدند.

# رژیم اسلامی سرمایه، سلاح کرونا،

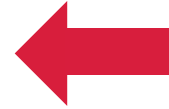
## حمام خون توده های کارگر

کارگران ضد سرمایه داری

تعطیل یک روز کار توده کارگر نیست، جغد خون آشام مفتی شرع سرمایه با درندگی غیرقابل توصیفی که ذاتی یک دولت‌مرد اسلامی سرمایه است از ورود هر واکسنی به درون جهنمی که کوره آدم سوزی اسلامی سرمایه داری است جلوگیری به عمل می‌آرد. هر روز بیش از ۵۰۰۰ کارگر ایرانی توسط کووید درو می‌گردند و این درحالی است که سهمیه رایگان و غیررایگان جمهوری اسلامی از بهترین واکسن‌ها، توسط وحوش دینی حاکم سرمایه نکول و ممنوع‌الورود شده است. همه اماکن مذهبی با نقش قتلگاه در همه ساعات شبانه روز مفتوح و آماده قتل عام هستند، تمامی جاده‌ها باز و هیچ مانعی در هیچ کجا بر سر راه تلنبار شدن و ازدحام مرگ‌زای انسانها نیست. بیمارستانها همه از کثرت بیمار دم‌نموده و در حال انفجار هستند. کلیه داروها و مایحتاج درمانی به جای آنکه در بیمارستانها و داروخانه‌ها در دسترس باشد، یکرست از اسکله‌ها و مبادی ورودی کشور در اختیار تراست‌های اختاپوسی متعلق به سپاه و بیت‌خامنه‌ای قرار می‌گیرند تا با قیمت‌های نجومی به فروش روند. سرمایه‌داران سپاهی، ولایتی، بسیجی و اقمار رهبری راه‌دستیابی توده کارگر به هر نوع دارو، درمان را سد ساخته‌اند. همه چیز بانگ می‌زند که رژیم اسلامی کرونا را قتاله‌ترین سلاح دست‌خویش علیه جنبش کارگری ساخته است. میدان جنگ سرمایه علیه کارگران را به اینجا، این حوزه منتقل نموده است. جائی که توده کارگر در فرسوده‌ترین و ضعیف‌ترین موقعیت است، وحوش حاکم سرمایه کرونا را جزء لایتجزای قوای قهر و سرکوب خود، نیروی مکمل سپاه، پلیس، بسیج خود کرده است. کارگران را اسیر وضعی ساخته که به جای جنگ علیه سرمایه، زیرمهمیز مرگ کرونا و مشغول ماتم و کفن و دفن هم‌زنجیران باشند. رژیم دست به کار اجرای کثیف‌ترین سناریوی قتل عام ما است. این سناریو را باژگون کنیم. کرونا را میدان جنگ ضد سرمایه داری سازیم.

طوفان اعتراض و طغیان توده‌های کارگر، سراسر جهنم سرمایه داری ایران را در خروش خود پیچیده است. وحوش درنده حاکم سرمایه از ولی فقیه تا دولت، سپاه تا مجلس، پلیس تا پارلمان و کل شبکه اختاپوسی قهر سرمایه، هیچ پاسخی برای هیچ کیفرخواست، اعتراض، مطالبه مشتعل کارگران ندارند. قتل عام، زندان، شکنجه و سر به نیست کردنهای جوراجور تنها جواب همیشه و همه‌جا آماده آنها در مقابل طغیان ناشی از گرسنگی، فقر، فلاکت، کرونا زدگی، بیخانمانی، بی‌دارویی، بی‌آبی و سایر مصیبت‌های دامنگیر توده کارگر است. رژیم دینی سرمایه همواره چنین کرده است و در طول ۴۲ سال، زمین و زمان را ساز و برگ پیشبرد جنایت‌های خود ساخته است. قدرت اختاپوسی اسلامی سرمایه اینک از همیشه بحران زده‌تر، فرومانده‌تر، پوسیده‌تر و بدون پاسخ‌تر است. به همین دلیل هم بیشتر از هر زمان دیگری نیازمند سرکوب، نسل‌کشی و راه‌اندازی طوفان کشتار است. در این میان فشار سهمگین تناقضات سرکش حتی توان رژیم برای حمام خون را کم یا بیش فرسوده است و لاجرم خود را نیازمند استفاده از کم‌هزینه‌ترین شیوه‌ها و سلاح‌ها می‌بیند. کووید بسان جنگ، سفینه خون‌پیمای بقای فاشیسم اسلامی شده است و رژیم بهره‌گیری از کرونا را بهترین فرصت برای حمام خون مبارزه طبقاتی و طوفان طغیان توده‌های کارگر دیده است. به گونه‌ای کاملاً برنامه‌ریزی شده، نقشه‌مند، سنجیده و «هوشمندانه»، کرونا را سلاح قهر خود برای در هم کوبیدن و به شکست کشاندن جنبش کارگری کرده است. همه راه‌ها را برای تهاجم هرچه آزادتر، آسانتر، قاهرانه‌تر کووید به جان کارگران باز کرده است. در شرایطی که کومه‌های مسکونی کل کارگران میدان یکه‌تازی کرونا است، در ایامی که سونامی مرگ کووید کل سیستم درمانی کشور را در خود غرق و با خود برده است، بازهم هیچ سرمایه‌دار، هیچ بنگاه سرمایه داری، هیچ کارخانه، معدن، شبکه حمل و نقل، هیچ نهاد دولتی یا خصوصی سرمایه حاضر به





ما عده‌های کارگریم، تا چشم باز کرده‌ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه‌داران و سرمایه‌بده‌ایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده‌ایم که کلیه سرمایه‌ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید میشود و دنیای فقر و فلاکت و سیه‌روزیها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می‌گردد. هرچه بیشتر تولید کرده‌ایم عمیق‌تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده‌ایم. هرچه بر قدرت سرمایه افزوده‌ایم خود فرسوده‌تر و حقیرتر شده‌ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده‌ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه‌دار، مدافع سرمایه‌داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه‌داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل ویژه‌ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه‌ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته‌ای نیستیم. اینگونه تشکلهای ما را که از بالای سر کارگران ساخته می‌شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه‌زنی با سرمایه‌داران و کسب قدرت دولتی می‌دانیم. این نوع تشکل‌سازیها حتی اگر با جنجالهای ضد سرمایه و چپ‌نمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیر کارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه‌داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی‌کنیم تا مبارزات کارگران را رهبری کنیم!! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هرمیزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه‌ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه‌داری می‌دانیم. می‌خواهیم که این نشریه تریبونی برای اثرگذاری سرمایه‌ستیزی در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هرچه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه‌داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه‌داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.

website  
Email  
telegram  
instagram

www.alayhesarmaye.com  
kargarshora19@gmail.com  
@ alayhesarmaye  
@ alayhesarmaye